پارسیان دژ
تاریخ، فرهنگ و میراث ایران

مجموعهٔ مقاله‌ها
نسخهٔ ماندگار

حکومت ماد ها

آتش زدن تخت جمشید

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲ اسفند ۱۳۹۴ · ۳ دقیقه مطالعه

چکیدهٔ مقاله

آتش زدن تخت‌جمشید تاراج ثروتمندترین شهر جهان داستان تاراج خزانه و سوختن کاخ های تخت جمشید در نوشته های مورخان مشهوری چون پلوتارک،دیودروس،ژوستن،استرابو و آریان نقل شده که خلاصه مطالب آن چنین است : هنگامی که اسکندر به نزدیکی شهر رسید،تیرداد خزانه دار به وی پیغام داد که شهر بی دفاع است و او باید زود بیاید و خزانه را پیش از آن که اوباش آن را غارت کنند تحویل بگیرد . این شهر،توانگر ترین و شکوهمند ترین شهر های جهان به شمار می رفت . ،دویست سال آبادی و فرمانروایی مایه ی آن شده بود که حتی خانه های مردم عادی

پارسیان دژ / حکومت ماد ها

آتش زدن تخت‌جمشید

تاراج ثروتمندترین شهر جهان

داستان تاراج خزانه و سوختن کاخ های تخت جمشید در نوشته های مورخان مشهوری چون پلوتارک،دیودروس،ژوستن،استرابو و آریان نقل شده که خلاصه مطالب آن چنین است : هنگامی که اسکندر به نزدیکی شهر رسید،تیرداد خزانه دار به وی پیغام داد که شهر بی دفاع است و او باید زود بیاید و خزانه را پیش از آن که اوباش آن را غارت کنند تحویل بگیرد . این شهر،توانگر ترین و شکوهمند ترین شهر های جهان به شمار می رفت . ،دویست سال آبادی و فرمانروایی مایه ی آن شده بود که حتی خانه های مردم عادی نیز از دارایی و مال و منال پر باشد همه جا زرو زیور و خواسته انبار بود . در اوایل فوریه ۳۳۰ ق . م . این شکوه به سر آمد،اسکندر شهر را به سربازان خود سپرد تا هر چه می خواهند با آن و مردمش بکنند . تمام مردان آن - از پیر و جوان - از دم تیغ گذشتند و زنان و دختران به بردگی در آمدندو فروخته شد . آز و ولع مقدونیان در ربودن اموال تاراجی چنان بود که به جان همدیگر می افتادند و یکدیگر را می دریدند .

اسکندر ارگ شاهی را برای خود نگه داشت و پس از ورود به کوشک داریوش،خزانه دویست ساله آن را ربود و از انبوه زر و سیم بدست آورد که به یکصد و بیست هزار تالان نقره بالغ می شد (هر تالان نقره برابر بود با ۳۳۶۶۰ گرم،بنابراین تاراجی اسکندر به حدود چهار هزارو چهارصد کیلوگرم نقره سر میزده است) .

برای اینکه این مال و منال را به جایی دیگر و ایمن تر حمل کنند،سه هزار شتر و عده زیادی قاطر از شوش آوردند و گنجینه داریوش و جانشینانش را از جای کندند و بردند . اسکندر دوماه در تخت جمشید ماند و سپس به رغم اندرز مشاور پیرش " پارمینیون " ،ارگ شاهی را به آتش کشید و آن را منهدم کرد . علت این کار نه مستی و از خود بیخودی بود - چنان که برخی از نویسندگان متاخر برای تبرئه او ادعا کرده اند - و نه لذت انتقام کشی از خشیارشا که آتن را آتش زده بود -آنگونه که بسیاری که مورخان پنداشتند . زیرا اسکندر هنوز برده ی می و زنان خود فروش نشده بود تا بخاطر تائیس،روسپی آتنی،ارگ با شکوهی را که اکنون دیگر به خودش متعلق بود تباه کند .

،فرهیختگی یونانی او هم به اندازه ای نبود که بشود وی را " قهرمان آتن " خواند . برعکس،یونانیان روشنفکر، به رهبری دموستنس خطیب دشمن وی بودند .

اما این خیالی باطل بود،چرا که فرمانروایی وی هفت سالی بیش نپایید و آمال وی نیز با خود وی بر باد رفت.

بن مایه کتاب راهنمای مستند تخت

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «آتش زدن تخت جمشید»، پارسیان دژ، ۱۳۹۴.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

https://www.parsiandej.ir/articles/1785/pdf/آتش-زدن-تخت-جمشید.pdf

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵